

حکایت نظر

۵ ترسیم گفتمانی فلسفه انسان‌شناسی معیار

۱۰ مرجعیت کتاب در الهیات تغییر و تحول و تغییر و تحول الهیاتی

۱۸ مرور ساختاری فلسفه فقهی سوره بقره

۲۳ در آستانه میثاق ملی پیشرفت

۳۱ مدخلی بر فلسفه آرمان‌شهر

۳۳ مطالبه‌گری اجتماعی در نظام حکمرانی به مثابه یک سازوکار

خبرنامه داخلی
مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
سال نهم، شماره اول
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۰

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

دستاوردهای اندیشه‌ای مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)، به نقطه‌های راهبردی تعیین کننده‌ای رسیده است. یکی از این نقطه‌ها ظهور چشم‌انداز تازه‌ای به هرمنوتیک روشی و فلسفی است. فصلی از تفسیر سازوکاری، تحلیل سازوکار فهم و حصول آن است. تفسیر سازوکاری از سه نظر مد نظر است: سازوکار درون‌زا در ناحیه موضوع تغییر و تحول، سازوکار میان فهم و واقعیت و سازوکار میان علم و عمل. اینک در این فصل به ماهیت فهم و روش‌شناسی حاکم بر آن می‌پردازد. از وجه مقدماتی هرمنوتیک روش عبور کرده به هرمنوتیک فلسفی می‌رسیم و در گام پس از آن، به هرمنوتیک روش‌شناسی پارادایمی فهم وارد می‌شویم و نظریه برگزیده خود را به معرض نظر می‌آوریم و به همین روی در این هرمنوتیک روش شناختی پسافلسفی، تلقی نویناد ما از نقش سنت آشکار می‌شود که به مثابه روش‌شناسی ورود در پژوهش پارادایمی مسئله‌محور متن تلقی می‌شود. شماره فروردین و اردیبهشت حکایت نظر را مرور کنیم و از جمله در گزارش همه گروه‌ها به ویژه گروه‌های پژوهش‌های نظری، تفسیری، فقه و حقوق و پژوهش هنر آن رویکرد هرمنوتیکی را پی بگیریم.

۱. در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا دو گزارش «گوهر و صدف دین» و «مسئله علم زنده» معرفی می‌شود؛
۲. در گروه پژوهش تفسیری فرازهای گام تازه پژوهش در «ترسیم گفتمانی فلسفه انسان‌شناسی معیار» با سوره بقره، «نظام حقوقی ارث» با سوره نساء، «الهیات قرآنی با آیات ۱۴ تا ۱۸»، «تغییر اجتماعی، سرمایه اجتماعی» با سوره انفال، «مرجعیت کتاب در الهیات تغییر و تحول و تغییر و تحول الهیاتی»، «فلسفه پژوهش تنزیل»، «روش‌شناسی تفسیر موضوعی» و «مدخل بر روش‌شناسی تفسیر متن در نگره پیشنهادی شهید صدر رحمته‌الله» مرور می‌شود؛
۳. در گروه اخلاق و سبک زندگی با گزارش «خودبانی رشد با دعای ابوحمزه» پیش روست؛
۴. گروه پژوهشی فقه و حقوق نیز «فلسفه خاص فقه و ساختار آن»، «مرور ساختاری فلسفه فقهی سوره بقره» و «تعریف اجتهاد» را آغاز نموده است؛
۵. گروه پژوهش علوم انسانی در این مرحله از کتاب «گفتگوهای اقتدار توسعه‌ای علوم انسانی» به «الگوی کاربردی سازی علوم انسانی دین‌شناخت» نظر افکنده است؛
۶. در گروه تحقیق و توسعه و مطالعات راهبردی بحث تدابیر سند الگوی پایه پیشرفت در گزارش «در آستانه میثاق ملی پیشرفت» و هم‌چنین سه گزارش «در آستانه مدرنیته درون‌زای ایرانی»، «بررسی تحول‌آفرینی سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» و «درآمدی بر نظریه دانش-قدرت» در دستور تأمل است؛
۷. در گروه پژوهش‌های هنری گزارش «مدخلی بر فلسفه آرمان‌شهر» معرفی می‌شود؛
۸. انجمن علمی هم‌اندیشی پیشرفت در فرصت خویش به «بررسی ساختاری مسائل جهان سوم» پرداخت و در ادامه رویدادهای فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۰، گزارش «مطالبه‌گری اجتماعی در نظام حکمرانی به مثابه یک سازوکار» و «فلسفه دین در نظر به فقه نظام دین» پیش روست.

پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، با نظر به دو دستاورد این گروه، پروژه «گوهر و صدف دین» معرفی می‌شود که در راستای مباحث فلسفه دین با ویرایش تازه‌ای روبرو می‌شود و گزارش «مسئله علم زنده» نیز در دستور تأمل آمده است.

كَلِمَاتٍ و «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» آورده است. گوهر دین تجلی خداوند در هستی انسانی و اجتماعی است، بدان حقیقت دین نیز نام می‌گذاریم. در اولین ویرایش صدفیت دین به عرضیت دین، ۱۱۴ سوره قرآن و سنت نبوی - اوصیائی را داریم که بسط این حقیقت‌اند و دو ساحت شبکه‌ای تفصیلی را بر گرد عمود اسماء به دست می‌دهند. این ساخت شبکه‌ای به نوبه خود تناسب میدانی با محوریت اسماء و یا سطوح غیر راهبردی در نمونه‌های کاربردی دین دارند. قرآن کریم و سنت معصومین علیهم‌السلام بسط اسم است.

ایده گوهر و صدف دین از کجا برخاسته است و ضرورت طرح آن چیست؟ جهان جدید و دنیای معاصر به چه علت به طرح گوهر و صدف دین رسیده است؟

۲. در ساحت فکر دینی یا تفسیر متن در ضمن ساخت شبکه‌ای آموزه‌های دین و لحاظ شبکه مفاهیم و معارف. پژوهش دین به ناگزیر در شبکه علم دین اتفاق می‌افتد و شبکه نقشه جامع علم، با نظر به گوهر و صدف دین به پردازش نظام تولید علم نظر دارد. یک نمونه آن در برآیند نگاشت‌های ادراکی تا تحقیق و توسعه‌ای نقشه مزبور، فرآیند رفت و برگشتی پارادایم، نظریه، مدل مفهومی، مدل عملیاتی و واقعیت است. گام نگاشت تحقیق و توسعه‌ای وام‌دار این شبکه است و بدین‌سان مقوله تحقیق دین نیز متأثر از آن است. منظومه آموزه‌های دین از یک تراز واحد در شکل بخشی نظام علم برخوردار نیستند و نمونه نسبت فلسفه فقه تا فقه احکام یا فلسفه اقتصاد با نظام اقتصادی در نسبت زیستمان با امر اجتماعی و تغییر اجتماعی با تحول تمدنی نمونه‌های تقدم - تأخری نسبت گوهر دین با صدف دین است.

۳. در ساحت تحقیق دین در سطوح تجربه زیستمانی دین تا گام تحقیق اجتماعی و تا گام امر تمدنی.

بحث مرسوم گوهر و صدف دین در هر سه لایه تحلیلی یادشده



سلسله نشست‌های انجمن «جهان دینی - جهان جدید» با حضور اساتید صاحب‌نظر در این حوزه در گام فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۰ در بازخوانی کتاب، بحث از «گوهر و صدف دین» را در دستور کار خود داشت.

خاستگاه ایده گوهر و صدف دین

دین و تجربه دینی و در میانه آن فکر و اندیشه دینی، در سه لایه تحلیلی «دین برای خود»، «دین در ساحت دین‌پژوهی» و «تفکر دینی» و دین در ساحت تحقق آن، از سطح تجربه زیستمانی تا گام تحقق اجتماعی و تمدنی، در ویرایش دین اصیل یعنی به طور خاص دین اسلام، با دو پایه پیش‌تر تبیین‌شده جامعیت و کمال دین، قابلیت تفکیک به ذاتی و عرضی، گوهر و صدف دین را دارد:

۱. در ساحت دین برای خود از بنیان اسلام و حقیقت آن که اصل اسماء الهیاتی باشد تا نمادهای آن چونان اصل امامت و فروع دین. قرآن کریم جان‌مایه همه دین را در تعبیر «بسم الله الرحمن الرحیم» در آموزه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا... فَتَلَقَّى ... فَتَلَقَّى ...»

در گام تحقق دین و تجربه زیست دین‌دارانه، چه در عرصه زیستمانی و چه در عرصه حیات فردی، اجتماعی و حتی تمدنی نیز باید نظام اولویت‌های وجودی و راهبردی در تربیت انسان دین‌دار جامعه دین‌دار و تمدن الهیاتی مد نظر آید و بر این مدار ایده تفکیک گوهر و صدف دین بر مدار فرآوری تحقق دین بر مبنای حقیقت دین مد نظر می‌آید.

و مدل معنایی دین، سازوکار جریان شناخت، از گستره صرف حکمت نظر به سازوکار حکمت نظر - عمل پیوند خورده است و قبض و بسط معرفت دینی در این ساحت اتفاق می‌افتد. جریان شناخت دین بر مدار ویرایش نویناد پیشرفت شناخت ناگزیر است که میان ذاتیات دین و عرضیات دین تفکیک کند؛

- در گام تحقق دین و تجربه زیست دین‌دارانه، چه در عرصه زیستمانی و چه در عرصه حیات فردی، اجتماعی و حتی تمدنی نیز باید نظام اولویت‌های وجودی و راهبردی در تربیت انسان دین‌دار جامعه دین‌دار و تمدن الهیاتی مد نظر آید و بر این مدار ایده تفکیک گوهر و صدف دین بر مدار فرآوری تحقق دین بر مبنای حقیقت دین مد نظر می‌آید.

مسئله علم زنده

در پروژه پژوهشی «اجتهاد پارادایمی در تفسیر پیشرفت شناخت» بخش اول با عنوان «ماهیت پارادایمی اجتهاد در نظریه تفسیری» به مقوله «ماهیت علم زنده، دین و علم دین» ذیل فصل اول این بخش پرداخته شد. مؤلف اثر در این فصل درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است: علم منجر به منظومه هماهنگ تعبیر و تفسیر معنا دار جهان تا تدبیر تغییر و تحول جهان بر مدار نص قرآنی در عصر گذار به جهان مدرن و پسامدرن چیست و بر این مبنا نظام ملی تولید علم، فراگیر هر دو عرصه تولید علم در کشور، یعنی حوزه‌های علمی دینی و دانشگاه‌ها نیازمند چه نقشه راهی برای رخداد این بایسته ملی است و بدین‌قرار نظام تحقیق و توسعه ملی کشور در ضمن سند الگوی پایه پیشرفت در فصل تولید علم، نیازمند چه الگویی از مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر است؟ دانش و دانایی تولیدی قرآن کریم چه مضمون پارادایمی دارد؟

علم زنده، علم نافع و زندگی‌ساز در عرصه حیات فردی، اجتماعی و تمدنی است و فقه دین، علم دین‌شناخت زندگی‌ساز است. کارکرد برجسته این‌گونه علم در تولید، فرآوری و تدبیر سرمایه جامع انسانی است. در نمونه سوره حدید با علم زنده زندگی‌ساز روبرو هستیم.

۱. عرصه‌های کارکردی رخداد علم زنده

هر نظام اجتماعی برای آن‌که بتواند ثروتمند شود و رشد کند به شش دسته سرمایه نیاز دارد و نافع بودن و در این راستا، مأموریت دانش و نظام ملی دانش بایستی در تولید این سرمایه‌ها ارزیابی شود: ۱. سرمایه فکری، موجودی دانشی فراگیر امر انسانی و بنیان‌سازی تعبیر و تدبیر جهان است. محوریت آن با وجودشناسی و ترسیم آن

دین و تجربه دینی و در میانه آن فکر و اندیشه دینی، در سه لایه تحلیلی «دین برای خود»، «دین در ساحت دین پژوهی» و «تفکر دینی» و دین در ساحت تحقق آن، از سطح تجربه زیست‌مانی تا گام تحقق اجتماعی و تمدنی، در ویرایش دین اصیل یعنی به طور خاص دین اسلام، با دو پایه پیش‌تر تبیین‌شده جامعیت و کمال دین، قابلیت تفکیک به ذاتی و عرضی، گوهر و صدف دین را دارد.



جاری است.

در ساحت تحقق دین نیز اصل و فرع، ذاتی و عرضی، گوهر و صدف قابل پیگیری‌اند. تقدم نظام آموزش و پرورش بر نظام اقتصادی - سیاسی، تقدم امر فرهنگی - اجتماعی بر امر سیاسی و همچنین تقدم امر زیست‌مانی بر امر اجتماعی نمونه‌های دیگر است. نسبت ظهور امر اجتماعی توسعه‌ای با امر تمدنی، نسبت گوهر است به صدف و در متن تجربه زیست‌مانی، بلوغ فهم، شعور، بینش و دانایی مقدم بر شکل‌گیری منظومه احساسات انسانی است و برآیند بینش و احساس، جهت‌بخش عمل فقهی است. جامعه فقیر از بلوغ بینش و خرد اجتماعی و محوریت کودک و توسعه، امکان قوام در نظام حکم‌رانی و حکم‌روایی ندارد. در گام تحقق دین نیز فرآیندهای گوهر و صدف، ذاتی و عرضی قابل شناسایی است. ایده گوهر و صدف دین از کجا برخاسته است و ضرورت طرح آن چیست؟ جهان جدید و دنیای معاصر به چه علت به طرح گوهر و صدف دین رسیده است؟

- گذار از برهه تعارض دین و جهان جدید و راه‌گشایی به این‌که چرا این تعارض و راه‌گشایی به تفکیک وجوه دین برای جستن راهبردی به امکان گذار از این تعارض، به ویژه در تجربه رخ‌نموده غرب در رویارویی کلیسا و مدرنیته و اینک در تجربه انقلاب اسلامی ایران، روحانیت و جهان جدید، دین و جهان جدید؛

- راه‌یابی به کیفیت تفسیر دین ناظر به مسائل راهبردی جهان جدید و از این رهگذر رهسپاری به مقوله تحقق دین. حجم عظیم مسائل جهان جدید و گستره بلند آموزه‌های دین به ویژه الهیات انبیا و به طور خاص الهیات اسلامی، ناگزیرساز تفکیک گوهر و صدف دین است. فهم شبکه‌ای دین و ظهور رویکرد سازوکاری در حیطه تحقیقی دین ناگزیرساز این تفکیک است؛

- دیگر زمینه‌ساز تفکیک گوهر و صدف دین، فرآیند و به طور خاص سازوکار قبض و بسط معرفت دینی است. قبض و بسط معرفت دینی بر مدار چه اصول ذاتی و چه برون‌مایه‌های عرضی انجام می‌پذیرد؟ با ظهور الگوی تفصیلی، مناسبات پارادایم، نظریه، مدل مفهومی



در معارف عهده‌دار این بنیان‌سازی است؛

۲. سرمایه فرهنگی، موجودی الگوی زیستی برگزیده فردی و اجتماعی در تدبیر هویت‌دار و هویت‌بخش زندگی است؛
 ۳. سرمایه اقتصادی، موجودی ظرفیت‌ها و امکانات زمینه‌ساز حرکت فردی و اجتماعی در ضمن الگوی کلان‌تغییر و تحول است؛
 ۴. سرمایه انسانی، موجودی شایستگی‌ها، دانش، ویژگی‌های اجتماعی و شخصیتی شامل خلاقیت، تجسم در توانایی برای انجام کاری جهت تولید ارزش اجتماعی است. مفهوم سرمایه انسانی ریشه در ادبیات اقتصادی دارد؛

۵. سرمایه اجتماعی، موجودی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و نمادین جامعه انسانی در ایجاد هویتی فراگیر برای امر اجتماعی است. سرمایه اجتماعی چیزی است که هنگامی آن را داریم که با یک‌دیگر هستیم؛ اما هنگامی که با یک‌دیگر نباشیم آن را نیز نداریم. دوستی‌ها، رفاقت‌ها، اعتمادها، امیدها، همبستگی‌ها، نشاط‌ها و... ایجاد خلق ارزش می‌کنند؛

۶. سرمایه‌های نمادین، موجودی نمادها و زبان‌های نشانگانی و به طور خاص هنرشناخت از ادبیات تا فضاها، شهری و معماری در تصویردهی سرمایه‌های پنج‌گانه یادشده است. در تعریف سرمایه‌های نمادین نیز گفتنی است که اگر هر کدام از سرمایه‌های پیشین به شهرت و افتخار مثبت یا منفی دست یابند، می‌توانند برای ما خلق ارزش‌های جدیدی کنند. نقش سرمایه‌های نمادین ایجاد ارزش برای سرمایه‌های دیگر است.

تلاش‌های همه جوامع در راستای تحقق این شش سرمایه است و این شش سرمایه، همه آن چیزی است که باید جوامع برای دستیابی به آمال و آرزوهای خویش و رشد خویش دارا باشند. کانون شش سرمایه یادشده، سرمایه انسانی است. در حقیقت ویژگی‌های کیفی افراد سرمایه آن‌ها هستند. سرمایه انسانی نه سرمایه فیزیکی و نه سرمایه مالی محسوب می‌شود بلکه سرمایه انسانی به عنوان دانش، مهارت، تجربه‌های زندگی، نوآوری، خلاقیت و سلامت آدمی در تدبیر زیستمان خویش تعریف می‌شود.

سرمایه انسانی در کانون سرمایه‌های یادشده، عبارت است از سرمایه‌گذاری بر روی منابع انسانی جهت افزایش بازدهی آن‌ها که این هزینه‌ها با هدف بهره‌برداری در آینده انجام خواهد شد. بدین‌سان ماهیت کارکرداری این سرمایه‌ها در سازوکار تولید علم در اولین ویرایش علم زنده و سپس فقه دین به روشنی گرایید.

«علم زنده، علم نافع و زندگی‌ساز در عرصه حیات فردی، اجتماعی و تمدنی است و فقه دین، علم دین‌شناخت زندگی‌ساز است. کارکرد برجسته این‌گونه علم در تولید، فرآوری و تدبیر سرمایه جامع انسانی است. در نمونه سوره حدید با علم زنده زندگی‌ساز روبرو هستیم.»

«الگوی علم - عمل» در دوره مدرن با ادبیات تازه «الگوی علم - سرمایه» بازخوانی شده است و عمل، به تولید سرمایه، معنا شده است تا مراد از «کارکرد جامعه‌شناخت»، آشکارتر شود. چهار سرمایه گفته شده را فرض تحلیل می‌دانیم و در مباحث بعدی به تکمیل آن می‌پردازیم. «تفکر و سرمایه فکری»، «دین» یک سرمایه مرجع در فرآوری سرمایه‌های یادشده است.

موضوع رونق سازوکار پیشرفت اجتماعی در افق نظام جامع مسائل ملی کشور در این ساختار حداقلی شش‌گانه است.

نظام فعال و کارآمد علم، عهده‌دار تولید علم زنده است؛ یعنی مولد سرمایه‌های یادشده در رویکردی خاص و جریان‌دار در تفسیر و تدبیر امر تغییر و تحول. با این ملاحظه، اجزای سازوکار علم زنده معین گردیده‌اند. هنگامی که این سازوکار با آرمان رشد الهیاتی و روش‌شناسی آن پیوند خورد، «فقه دین» برمی‌آید. فقه دین، علم مولد سرمایه‌های شش‌گانه یادشده در جاذبیت امر انسانی به امر نامتناهی غایی الهی در الگوی پیشنهادی دین برآمده از آموزگاری مناسبات عقل و نقل قرآنی - اولیایی است.

«الگوی علم - عمل» در دوره مدرن با ادبیات تازه «الگوی علم - سرمایه» بازخوانی شده است و عمل، به تولید سرمایه، معنا شده است تا مراد از «کارکرد جامعه‌شناخت»، آشکارتر شود. چهار سرمایه گفته شده را فرض تحلیل می‌دانیم و در مباحث بعدی به تکمیل آن می‌پردازیم. «تفکر و سرمایه فکری»، «دین» یک سرمایه مرجع در فرآوری سرمایه‌های یادشده است.

سرمایه شامل همه سرمایه‌ها و نه دارایی‌ها و نه ثروت است. دارایی آن چیزی است که آن را داریم؛ اما در حال حاضر از آن منفعتی نمی‌بریم. ثروت آن چیزی است که آن را داریم و از آن منفعت نیز می‌بریم؛ ولی الزاماً در کسب خلق ثروت نمی‌تواند برای ما کاری انجام دهد. سرمایه چیزی است که ضمن آن‌که دارایی و ثروت است، خلق ثروت و ارزش نیز می‌تواند بکند. پس منظور از سرمایه چیزی است که می‌تواند برای ما ارزش خلق کند.

با نظر به تلقی خویش از سرمایه، سه نکته گفتنی در تعریف سرمایه و توسعه:

۱. سرمایه در سطح معنایی پسادارایی و پساثروت، داخل در حوزه معنایی توسعه است؛

۲. و در تعبیر با ارزشی در ادبیات قرآنی «سرمایه»، معادل تعبیر «انفال» در سوره انفال است که شامل دست کم سرمایه اقتصادی، انسانی و اجتماعی است؛

۳. عامل اصلی تبدیل گفتمانی دانایی به سرمایه، سرمایه فرهنگی است.

بازخوانی‌های یادشده، ضرورت برآمدن نظام دانشی تازه‌ای را در این بازتعریف‌ها یادآور می‌شود.